اندیشه نیک
گفتار نیک
کردار نیک
پارس نامه

پارس نامه ماهنامه خبری پژوهشی تحلیلی - سال دوم - شماره نوزده - دی ۱۳۸۹
Parsnameh - No.19 - Jan. 2011

یک تصمیم بزرگ

سر انجام پس از مدت ها ، انجمن موبدان در اقدامی درست و به جا اعلام کرد که به زودی ۸بانوی زرتشتی به طور رسمی به عنوان موبدیار معرفی می شوند.
این معرفی پس از مدت ها گفت وگو وتبادل نظر میان اعضای انجمن موبدان وبررسی دیدگاه مخالفان و موافقان صورت گرفته است و جای بسی خوشبختی است که سرانجام پس از سده ها ، بر پایه شعار تساوی حقوق زن ومرد در دین زرتشت چنین تصمیمی از سوی انجمن موبدان گرفته و اعلام شده است.
طی سالیانی که گذشت،اگرچه همواره از برابری حقوق زن ومرد در دین زرتشت سخن به میان آمده بود اما در عمل برخی جاها،این حقوق نادیده گرفته می شد که با توجه به شرایط زمانی ومکانی و این موضوع که به روز بودن و همگام با زمان نوشدن نیز جزءاصول دین زرتشت است،باید برای این مسایل راه حلی در نظر گرفته می شد.
در این سال ها که خوشبختانه شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه زمینه را برای رشد و ترقی بانوان در جامعه فراهم کرده است و از آنجا که جامعه زرتشتی از دیرباز به علم آموزی توجه ویژه ای داشته است – شاهد تاسیس نخستین مراکز آموزشی توسط زرتشتیان است– امروز نیز شاهد حضور بانوان با دانش وخردمند در جامعه زرتشتی هستیم،حضوری که باید با رفع نگاه جنسی گرایانه به موضوع، محترم شمرده شود که خوشبختانه انجمن موبدان به عنوان انجمن مادر دینی به این مهم پرداخته است و به زودی شاهد حضور پررنگتر بانوان در عرصه امور دینی زرتشتی خواهیم بود.
بی شک این اقدام نیز همچون هر اقدام جدید دیگری ، تبعات و منتقدان جدی خواهد داشت اما سعه صدر، همکاری وهمیاری وگذشت زمان بسیاری از مشکلات پیش رو را حل خواهد کرد وبه مرور، با رفع موانع ،مشکلات وکاستی ها در این زمینه ، این اقدام به عنوان یک کار بزرگ دینی – تاریخی در جامعه ثبت خواهد شد.
اما اقدام دیگری نیز که همزمان در دست اجرا و در راستای تساوی حقوق زن و مرد در جامعه است،بازنگری قانون احوال شخصیه است.اگرچه کمیته بازنگری کار خود را آغاز کرده است اما به نظر می رسد با حضور افراد متخصص ومسوول این روند شتاب بیشتری بگیرد به گونه ای که به زودی شاهد قانونی باشیم که درآن به واقع تساوی حقوق زن ومرد محترم شمرده و رعایت شده باشد .
آیین ما ، آیین تازه گردانیدن جهان و پیروی از اشا است و چه زیباست که با درک این مهم ،در راستای پیشرفت و بهبود جامعه بکوشیم.

پزشکان زرتشتی خواستار شدند:

تخلیه زایشگاه بهمن و واگذاری آن به تیم پزشکان یزدی

دکتر اسفندیار اختیاری نماینده ایرانیان زرتشتی در نامه ای به استانداری یزد، خواستار تخلیه کامل مکان زایشگاه بهمن و تحویل آن فقط به متخصصان پزشکی و پیراپزشکی زرتشتی که سابقه خدمتگزاری آن ها در درازنای تاریخ به اثبات رسیده، شد. وی در نامه خود با اشاره به نشست و بیانیه پزشکان و پیراپزشکان خواسته آنان را درست و به حق خواند و جامعه زرتشتی را تنها صاحبان واقعی این زایشگاه دانست.

زایشگاه بهمن، از دهش خیراندیش روانشاد ارباب گشتاسب خودی کلاه به نامگانه فرزندش بهمن، بر روی زمین اهدایی ارباب اردشیر مهربان رستم ساخته شده است. این زایشگاه سالیان بسیاری پذیرای هموطنان و همکیشان بود اما به مرور فرسوده و متروک شد تا ۶ سال پیش که طی قراردادی مکان آن به عنوان درمانگاه تخصصی اعصاب و روان مورد استفاده قرار گرفت.

چندی پیش انجمن زرتشتیان تهران در مصوبه ای خواستار تخلیه کامل زایشگاه شد.

این موضوع چندی پیش در نشست کنکاش یگانگی با باشندگی هموندان گذشته هیات مدیره مورد بررسی قرار گرفت و بر مصوبه انجمن تاکید شد .

از سوی دیگر پزشکان و پیراپزشکان یزدی نیز با برگزاری نشستی که منجر به امضا بیانیه شد آمادگی خود را برای سرپرستی، اداره و توسعه مراکز بهداشت و درمان، بخصوص مراکزی که متعلق به زرتشتیان است و اکنون تحت سرپرستی غیر زرتشتیان است(مانند زایشگاه بهمن، بیمارستان گودرز) اعلام کردند.

در این نشست همچنین پزشکان و پیراپزشکان یزدی، هیات موسسی را برای شکل گیری شرکت تعاونی درمانی زرتشتیان یزد مشخص کردند. تاکنون دانشگاه علوم پزشکی یزد موافقت خود را با تشکیل این شرکت تعاونی اعلام کرده است. از دیگر تصمیمات این نشست مذاکره با پزشکان متخصص و آزمایشگاه ها برای گرفتن تخفیف برای همکیشان و نیز جمع آوری اطلاعات پزشکان زرتشتی بود.

با تایید انجمن موبدان و به زودی:

هشت« بانو» موبدیار می شوند

به زودی ۸ موبدیار بانو با انتخاب و تایید انجمن موبدان در امور دینی زرتشتیان مشغول فعالیت می شوند.

در نشست این هفته کنکاش یگانگی ، موبد دکتر اردشیر خورشیدیان فرنشین انجمن موبدان با اعلام رسمی این موضوع گفت: موبدیاری بانوان بحثی است که از زمان شادروانان موبد آذرگشسب و موبد شهزادی مطرح بوده است و خوشبختانه در حال حاضر شرایط برای تحقق این امر فراهم آمده است.

وی گفت: برپایه باور های زرتشتی زنان و مردان برابرند و در طول تاریخ اگرچه اسمی از موبدان زن باقی نمانده ولی همواره زنان نقش بزرگی در نگهداری و پاسداری از دین داشته اند.

وی گفت : این بانوان دوره های آموزشی لازم را زیر نظر انجمن موبدان دیده اند و در حال گذراندن آزمون های نهایی هستند که در صورت موفقیت به زودی به عنوان موبدیار اجازه فعالیت در امور دینی را خواهند داشت.

موبد خورشیدیان گفت : ما امیدواریم موضوع موبدیاری بانوان را در همایش جهانی موبدان که قصد داریم برگزار کنیم، مطرح و معرفی کنیم چون همازوری کل جامعه زرتشتی به خصوص در چنین حرکت های فرشکرد و با ارزشی، بزرگترین هدف ماست.

راشین جهانگیری، میترا مراد پور، سرور تاراپوروالا،پروا نمیرانیان از تهران،بهناز نعیم آبادی ،فریبا مالی از یزد،مهرزاد کاویانی از کرمان،پریا ماوندی از کرج، هشت بانویی هستند که قرار است در صورت موفقیت در مانده آزمون ها به عنوان بانوان موبدیار انتخاب شوند.

موبد پدرام سروش پور یکی دیگر از اعضا انجمن موبدان نیزدر این نشست با اشاره به حضور بانوان با تحصیلات عالی و کارآمد درجامعه گفت: این حرکت در راستای برابری حقوق مرد و زن در دین زرتشت صورت گرفته است و در نخستین دوره کسانی انتخاب شده اند که از نظر علمی ، پژوهشی و سابقه اجتماعی افرادی موفق و خوشنام هستند.

وی گفت :همواره نگاه اشوزرتشت و به تبع آن نگاه دین زرتشتی به زنان و مردان نگاهی کاملا برابر بوده است.

سروش پور افزود: در انتخاب این بانوان معیارهایی چون سابقه و شخصیت اجتماعی، تحصیلات، آوای خوش اوستا خوانی و نگاه زیبا به دین معیار قرار گرفته است .

وی افزود:در این راستا آیین نامه ای نیز تدوین شده است که بانوان علاقمند و داوطلب موبدیاری می توانند در صورت داشتن شرایط لازم در دوره های آینده انجمن موبدان شرکت کنند.

دکتر اسفندیار اختیاری نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی نیز در این نشست این اقدام انجمن موبدان را اقدامی شجاعانه و به جا دانست و گفت:من اعتقاد دارم زمانی که برای انجام کارهای بزرگی به این صورت برنامه ریزی می شود به خصوص کارهایی که با تغییر و نو شدن همراه است هم اندیشی های نقش بسیار زیادی در دلگرمی و اطمینان افراد از برنامه و کارشان دارد.

وی از انجمن موبدان به دلیل چنین اقدامی سپاس گزاری و آن را حرکتی مهم و اساسی دانست.

به زودی صورت می گیرد:

بهره برداری رسمی از امکانات ورزشی آدریان بزرگ تهران

به زودی با حضور مسئولان جامعه زرتشتی و مهندس یگانگی مجموعه ورزشی آدریان بزرگ تهران موردبهره برداری رسمی قرارخواهد گرفت.

سرانجام پس از سالیانی انتظار این روزها با پایان برخی کارهای عمرانی در آدریان بزرگ از جمله تجهیز زمین های فوتبال، بسکتبال،طراحی زمین بدمینتون، رفع مشکلات روشنایی محل ، گرفتن انشعاب آب شهری، ورزشکاران و ورزش دوستان حضوری جدی و پررنگی در این مکان دارند.

بنابر این گزارش،قرار است به زودی با بهره برداری رسمی این مکان، امکان حضور تعداد بیشتری از ورزشکاران و ورزش دوستان در این مجموعه فراهم شود و با کمک خیر اندیشان ساخت سازه های دیگری با کارکردهای دینی، اجتماعی، فرهنگی صورت گیرد.

برای استفاده بهینه از امکانات و نظم دهی به این مجموعه بانو شیرین خوبچهر با تصویب هیات امنا آدریان بزرگ به عنوان مدیر ورزشی آدریان انتخاب شد.وی پیش از این گروه ورزش همگانی ورهرام را راه اندازی نموده و سعی کرده است تا جامعه را به سمت ورزش های همگانی همچون پیاده روی تشویق کند.

از سوی دیگر آیین نامه استفاده از زمین های ورزشی، فوتبال، والیبال، بسکتبال و بدمینتون این مجموعه نیز مورد تصویب قرار گرفت .

این آیین نامه در ۹ ماده تصویب شده و قرار است ۶ ماه به صورت آزمایشی اجرا شود. در این آیین نامه تاکید شده که استفاده از زمین های ورزشی آدریان تنها برای زرتشتیان امکان پذیر است.

● نخستین گردهمایی جوانان زرتشتی؛ آخر بهمن

نخستین گردهمایی جوانان زرتشتی ایران۲۹ بهمن تا دوم اسفند برگزار می شود. این گردهمایی با تصمیم کارگروه جوانان، در پردیس دانش مارکار یزد و با اجرای برنامه های متنوع برگزار می شود.تاکنون ۱۵۰ نفر ازجوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله با الویت نامنویسی در تارنمای گردهمایی، انتخاب شده اند.

● برنامه های غیرفرهنگی در تالار فیروزبهرام برگزار نمی شود

با تصویب آیین نامه تالار دبیرستان فیروزبهرام، برنامه های غیر فرهنگی در تالار این دبیرستان برگزار نمی شود. انجمن زرتشتیان تهران با تصویب این آیین نامه، همچنین مبلغ دریافتی جهت برنامه ها را در روزهای غیر تعطیل ۱۰۰ هزار تومان و در غیر آن ۱۲۰ هزار تومان در نظر گرفته است که برای ناظر برنامه و سرایدار هزینه خواهد شد. هموندان انجمن گرفتن تخفیف را موردی و با مصوبه انجمن به این صورت دانستند که بخشی از مبلغ را انجمن بپردازد.

● کتابخانه کانون بازگشایی شد

کتابخانه کانون دانشجویان زرتشتی، شادروان کیخسرو کیخسروی، پس از مدتی تعطیلی، ۹ دی ماه بازگشایی شد. بازسازی و ترمیم سالن لعل نوذر جمشیدیان، ساخت قفسه برای کتابها، جداکردن کتاب های قدیمی و همچنین دسته بندی و شماره گذاری کتاب های جدید و قدیمی، از جمله دلایلی بود که سبب شد تا کتابخانه روانشاد کیخسرو کیخسروی تعطیل شود. این کتابخانه در حال حاضر۵ هزارو۵۲۶ جلد کتاب در زمینه های پزشکی، مهندسی، تاریخی و رمان دارد.

● پایان نامه نسرین خنجری، برگزیده دانشگاه هنر

پایان نامه نسرین خنجری به عنوان برترین پایان نامه در رشته کارگردانی و نمایش، دانشگاه هنر شناخته شد. پایان نامه وی با موضوع بررسی تاریخی فعالیت های نمایشی زرتشتیان ایران از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷، از میان تمام پایان نامه های کارشناسی ارشد ۵ رشته هنری به عنوان» برترین پایان نامه» دست یافت.

● جمع آوری فرهنگ زرتشتی در آرمین نامه

مقدمات چاپ کتاب آرمین نامه، در آستانه سالروز درگذشت آرمین خسروی فراهم شد. کتاب آرمین نامه با تلاش عده فراوانی از زرتشتیان با هدف گرد آوری فرهنگ شفاهی زرتشتیان و با مطالبی با موضوع های فرهنگ و آیین نامکتوب (شفاهی) زرتشتی خواهد بود. پیش زمینه این کتاب با مطالبی چون روش های درمان بیماری در میان زرتشتیان قدیم، ناگفته هایی از جانباختگان زرتشتی، هنرهای زنان زرتشتی و شجره نامه هایی از خانواده های زرتشتی در آستانه سالروز درگذشت شادروان آرمین خسروی به چاپ می رسد.

● شب شعر شاعران زرتشتی در تهران

شب شعر شاعران زرشتی، در تهران برگزار شد. تارنمای خبری، تحلیلی برساد، شب شعری را به مناسبت انتشار صدمین شعر از شعرای زرتشتی در این تارنما برگزار کرد. در این شب شعر که با باشندگی توران بهرامی همراه شد، شاعران زرتشتی سروده های خود را خواندند.

● درخواست انجمن های یزد: امتیاز آرامگاه ها افزایش یابد

انجمن های زرتشتی در یزد خواستار افزایش امتیاز آرامگاه ها در شاخص بودجه شدند. در این نشست که به دعوت انجمن زرتشتیان یزد برگزار شد، بیشتر باشندگان خواستار افزایش بودجه آرامگاه در حد ۶ زیارتگاه مهم زرتشتی شدند.

آنان با بررسی تاریخچه و مشکلات آرامگاه یزد، پیشنهاد استفاده از وکیل و اقامه دعوی از متصرفین زمین آرامگاه را نیز دادند. دیگر موضوع مطرح شده در نشست بلیط فروشی برای گردشگران از دخمه و آرامگاه بود. آرامگاه یزد در نوبت ثبت میراث فرهنگی یونسکو قرار دارد.

● منشور کوروش در ایران باقی می ماند

موزه ملی ایران، خبر از ماندن منشور کوروش هخامنشی تا ۱۸ فروردین داد.

به دنبال پیگیری های موزه ملی ایران و کوشش انجمن های مردم نهاد و موافقت موزه بریتانیا، منشور کوروش تعطیلات نوروزی در تهران باقی می ماند.

برگزاری باشکوه جشن سده

یک هفته مانده به زمان برگزاری جشن سده انجمن ها در تب و تاب برگزاری هرچه شکوهمند تر این جشن در تمام شهرهای زرتشتی نشین هستند.

جشن سده یکی از بزرگ ترین جشن های ایرانی و زرتشتی است که براساس گاه شماری فعلی روز ده بهمن ماه با افروختن آتش در ساعات آغازین شامگاه گرامی داشته می‌شود.

انجمن تهران امسال سده را بر خلاف سال گذشته که ملی جشن گرفت، تصمیم دارد تا ویژه زرتشتیان و در مارکار تهرانپارس برگزار کند.

به همین مناسبت اتوبوس هایی نیز برای انتقال همکیشان به مارکار در چندین نقطه تهران از جمله میدان سلماس، میدان سنایی،آدریان،میدان صادقیه و نیلوفر در نظر گرفته شده است.

بنا بر اعلام انجمن،مراسم جشن سده از ساعت پنج پسین آغاز و آتش سده ساعت ۷/۳۰ دقیقه بعدازظهر توسط موبدان افروخته خواهد شد.همچنین سده در مدارس گیو و جمشید جم نیز در روزهای هفتم و نهم بهمن جشن گرفته می شود.

یزدی ها بار دیگر سده را همراه با یکدیگر و در محدوده روستای چم برگزار خواهند کرد،همچنین برخی محلات برای این جشن به طور اختصاصی نیز تدارک دیده اند.

کرمانی ها نامه نگاری های لازم برای دریافت مجوز را انجام داده اند و در تدارک برگزاری جشن در باغچه بوداق آباد همچون سال های گذشته هستند.

در شهرهای شیراز، اصفهان، اهواز و کرج نیز شامگاه ۱۰ بهمن ماه، شعله های آتش سده، دل ایران دوستان و زرتشتیان را شاد خواهد کرد.

در پی تشکیل نخستین نشست بازنگری

شیوه بازنگری احوال شخصیه مشخص شد

به دنبال نشست انجمن ها در ماه گذشته در کرمان و تصویب و تاکید بر لزوم بازنگری قانون احوال شخصیه ،نخستین نشست برای عملی شدن این مهم برگزار شد.

احوال شخصیه زرتشتیان قانونی است که به همت انجمن زرتشتیان تهران در سال ۱۳۸۶پس از بازنگری به چاپ رسیده است. بازنگری که به گفته پری سیما آذرکیوان، وکیل زرتشتی، حدود ۷ سال طول کشیدو از زمان نمایندگی دکتر دبستانی آغاز شد.

البته به همین سادگی نیز نبود و بند بند آن در نشست های کنکاش یگانگی مورد بحث قرار گرفته و انجمن های گوناگون نیز دیدگاه های خود را در این زمینه مطرح کرده اند، تا اینکه بالاخره در روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۶ مورد تصویب انجمن های زرتشتیان سراسر کشور قرار گرفت و در اختیار مقامات قضایی قرار گرفت.

در احوال شخصیه زرتشتیان ۶۹ ماده پیش بینی شده است ، عنوان هایی چون خواستگاری، نامزدی، حقوق و تکالیف زناشویی و شرح دارایی ها، موارد و موانع زناشویی، مهریه، موارد امکان فسخ زناشویی یا طلاق، در مورد فرزندان و نگهداری آنها، ولایت قهری و قیمومت، فرزند خواندگی و پل گذاری، تقسیم ارث، وصیت و درنهایت ترتیب طبقات ارث .

اما به دنبال برخی اتفاقات در جامعه و زندگی های خصوصی افراد، کم کم مشکلات برخی قوانین مشخص شد، همچنین پرسش هایی نیز در مورد ماده هایی از این قانون در پی ارجاع برخی پرونده ها ،از سوی دادگاه های مختلف مطرح شد که این رویه نیازجدی به بازنگری دوباره احوال شخصیه را بیش از پیش نشان داد.

در نهایت در چهاردهمین گردهمایی انجمن ها و نهادهای زرتشتی که روز ۲۶ آذر ماه امسال و در شهر کرمان برگزار شد،باشندگان تصویب کردند که دوباره این قانون مورد بازنگری قرار گیرد.

بانو پری سیما آذرکیوان به عنوان مسئول بازنگری انتخاب شد و تصویب شد تا در گروه بازنگری نمایندگان انجمن موبدان، کارگروه زنان و رئیس شورای حل اختلاف شهرستان‌ها حضورداشته‌باشند.

در نخستین گام،دکتر اسفندیار اختیاری با دعوت از نمایندگان انجمن موبدان، سازمان زنان و خانم آذرکیوان، از آنها خواست تا شیوه بازنگری را، تعیین کنند، بر اساس این نشست چنین مصوب شد که روند بازنگری بدین گونه باشد که موضوعی که قرار است در نشست بعدی بررسی شود، انتخاب و اعلام گردد در این مدت فرصتی باشد تا انجمن موبدان اسناد دینی و مذهبی و خانم آذرکیوان اسناد حقوق مدنی و بین الملل آن را بررسی کنند و دستاوردها در نشست ها ارایه و مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از سوی دیگرقرار شد در این نشست ها یک نماینده ثابت از سازمان زنان حضور داشته باشد و بر حسب مورد از شوراهای حل اختلاف تهران و شهرستان ها نیز اطلاعات لازم جمع آوری گردد.

ادامه اقدامات عمرانی در زیارتگاه های زرتشتیان

سرانجام پس از بحث های فراوان و مخالفت ها و موافقت های زیاد، هر غیرزرتشتی که بخواهد از پیرسبز، بازدید کند، باید بلیطی به قیمت ۱۰۰۰ تومان خریداری کند.

بیش از دو ماه است که انجمن زرتشتیان شریف آباد، بلیط فروشی برای افراد غیر زرتشتی بازدیدکننده از پیر سبز را آغاز کرده و در حال حاضر جوانی زرتشتی با نام آرمین وفاداری این مسئولیت را بر عهده گرفته است.

انجمن شریف آباد در نظر دارد تا تالاری را درمیان مسیر پله ها و در پایین خیله خرمشاه بسازد تا این تالار به جایگاه استراحت گردشگران و ارائه توضیحات لازم از طریق نمایش فیلم پیرسبز و ارائه بروشور تبدیل شود، همچنین فروشگاهی برای ارائه خدمات به گردشگران آنجا راه اندازی می شود .

بنا بر این گزارش،این انجمن در نظر دارد با بازسازی و نورپردازی حمام قدیمی که کنار سالن کوچک قرار دارد ، جایگاهی را برای گرامیداشت خادمان و زحمتکشان پیرسبز اختصاص دهد.

همچنین ساخت سرویس بهداشتی نیز در کنار این دو جایگاه در حال انجام است، و کارساخت خیله اهرستان نیز آغاز شده است.این خیله با هماهنگی و زیر نظر کمیته فنی زیارتگاه ها در حال ساخت است و انجمن اهرستان در این زمینه تلاش چشمگیری دارد، اما ساخت سرویس بهداشتی در مکانی نامناسب و بدون هماهنگی انجام شده و با اعتراض کتبی انجمن کوچه بیوک به کمیته فنی همراه شده که کمیته فنی نیز خواستار تغییر محل ساخت سرویس بهداشتی شده است.این کمیته همچنین در رابطه با ساخت تالار نیز که همراه با تخریب «بی کن» همراه بوده است نیز نکاتی را یادآور شده است.

به هر حال زیارتگاه پیرسبز این روزها در حال تغییر به سمت مکانی برای گردشگران است و حتی در این زمینه شرکت پارس کویر اردکان که سهامداران آن زرتشتی هستند نیز پیشقدم شده است.

از سوی دیگر در زیارتگاه پیرنارکی نیز اتفاقات خوشایندی در حال رخ دادن است، بالاخره، با نامه نگاری های دکتر اختیاری و زیارتگاه پیرنارکی نیز به شبکه برق کشور متصل شد، اتفاقی که با تلاش و پیگیری های بهروز جراح عملی شد و اکنون نوبت به گرفتن انشعاب و کابل کشی های مورد نیاز است.

● نام نویسی ۲۰۹ ایرانی در کنگره جوانان زرتشتی کانادا

۲۰۹ ایرانی در پنجمین کنگره جهانی زرتشتیان در کانادا شرکت خواهند کرد. هم اکنون مدارک این افراد در حال ارسال برای دریافت روادید است. در این کنگره تهرانی ها بیشترین تعداد شرکت کننده و در پی آن یزد و کرمان رتبه های دیگر را دارند. پنجمین کنگره جوانان زرتشتی کانادا ۹ تا ۱۴ تیرماه سال آینده در ونکوور کانادا با آرمان آشنایی جوانان زرتشتی کشورهای گوناگون با یکدیگر برگزار می شود.

● برگزاری گاهانبار شاه عباسی در کرمان

زرتشتیان کرمان،۱۱ دی ماه آیین گاهانبار شاه عباسی را در آتشکده کرمان برگزار کردند. بنابر روایات، این گاهانبار هر ساله پس از درگذشت اشوزرتشت، به دنبال تصمیم شاه عباس برای جلوگیری از قتل گروهی زرتشتیان کرمان خوانده می شود. گفتنی است آیین چهره گاهانبار میدیاریم گاه نیز به مانند دیگر چهره های گاهانبار در شهرهای مختلف از دهم تا چهاردهم دی ماه گرامی داشته شد.

● صدور پروانه فعالیت انجمن زرتشتیان شیراز و کانون دانشجویان زرتشتی

از سوی کمیسیون ماده ۱۰، پروانه فعالیت انجمن زرتشتیان شیراز و کانون دانشجویان زرتشتی صادر شد. انتخابات این انجمن ها، به ترتیب ۲۷ آبان و ۶ اسفند سال پیش برگزار شده بود. از سوی دیگر با برگزاری انتخابات درون انجمنی، فرنشین انجمن زرتشتیان قاسم آباد، کیخسرو ماونددادی شناخته شد. در کوچه بیوک نیز هیات نظارت بر انتخابات از سوی رای دهندگان گزینش شدند.

رویدادهای ورزشی دی ماه ۸۹

● آیین نامه انضباطی تلاشی برای رسیدن به اخلاق ورزشی

اما پیش نویس دیگری که در این ماه از تنور بیرون آمد، پیش نویس آیین نامه انضباطی و اخلاقی ورزشی زرتشتیان بود، ادامه داشتن اتفاقات ناخوشایند ورزشی از جنجال آفرینی تا برخی کارهای ناشایست دیگر، باعث شد تا کارگروه ورزش در نخستین گام، تهیه آیین نامه ای را برای جلوگیری از این اتفاقات در دستور کار خود قرار دهد و بالاخره در نشست هفتم که روز ۱۰ بهمن ماه در کسنویه یزد برگزار شد، با وجود اینکه بیشتر اعضا کارگروه نسبت به نشست قبلی تغییر کرده بودند و نمایندگان جدیدی از انجمن ها حضور داشتند، این آیین نامه در ۲۲ ماده به تصویب رسید.

آیین نامه مذکور برای انجمن های زرتشتیان سراسر کشور ارسال شده تا دیدگاه های خود را به صورت کتبی اعلام نمایند و قرار است در کارگروه ورزشی که روز ۱۵ بهمن ماه برگزار می شود، به تصویب نهایی برسد و برای یکسال به طور آزمایشی اجرا شود، نکته مهم این است که به دنبال تصویب انجمن ها، اگر نهادی بر خلاف آیین نامه عمل نمود، سهم بودجه ورزشی اش را از بودجه وزارت کشور از دست خواهد داد.

● سده به سده می رسد

در دی ماه بازی های هیجدهمین دوره جام سده در رشته هایی همچون تنیس روی میز، دارت و تخته نرد پیگیری شد، نیلوفر ظهرابیان، کامیار گشتاسبی و فرشاد خدادادی به مقام های اول تا سوم پینگ پنگ دست یافتند، رامتین مهربان شهریاری، میترا جوانمرد و ساناز گشتاسبی به عنوان سه نفر برتر تخته نرد معرفی شدند، در رشته دارت بالای ۳۵ سال نیز سیروس خدادادی، هوشنگ منوچهری و مینا کیانی توانستند بالاتر از بقیه قرار گیرند.

اما یکی از نوآوری های جام سده امسال برگزاری بازی های کامپیوتری برای نخستین بار بود که در سه بازی برگزار و با استقبال خوبی مواجه شد. چندگانه کودکان آخرین رشته جام سده امسال است که روز آدینه ۱ بهمن ماه برگزار می شود و بدین ترتیب در روز جشن سده شیرازی ها مراسم پایانی این مسابقات را برگزار می کنند.

● ده سالگی وهمن را از دست ندهید

جام وهمن ده ساله خواهد شد.هموندان انجمن یانش وران مانتره، تنها مسابقات تخصصی والیبال زرتشتیان را روزهای ۱۲ تا ۱۵ بهمن ماه در تالار یگانگی برگزار خواهند کرد، مسابقاتی که در صورت استقبال تیم ها امسال در رده های نوجوانان و پیشکسوتان نیز برگزار خواهد شد.

جشن سده، در گوشه و کنار ایران

سرور تاراپوروالا

جشن سده از راه می رسد. همچون هر سال روز مهر از ماه بهمن را گرامی میداریم، همراه با موبدان و آوای اوستا شعله‌هایی کوچک را به هم پیوند می‌زنیم و آتشی بزرگ می‌افروزیم، آتشی که گرمای آن در سرمای زمستان تنمان را گرم می‌کند؛ با رقص شعله‌هایش پر از شادی و با صدایش که همراه زمزمهٔ اوستا است آرام می‌شویم. سده را همه می‌شناسیم و دوستش داریم.

در مورد جشن سده از دیدگاه اسطوره شناسی و پیدایش آتش به‌وسیلهٔ هوشنگ شاه -یکی از شاهان پیشدادی- و همچنین افروختن آتش در زمان ضحاک، بارها شنیده‌ایم. در این نوشتار با برگزاری جشن سده در جای جای ایران زمین و حتی فراتر از آن آشنا می‌شویم.

گویا جشن سده هیچگاه به هیچ یک از اقوام یا ادیان باستان ارتباطی نداشته و همواره جشنی ملی و برگرفته از شرایط اقلیمی و رویدادهای کیهانی بوده‌است. جشن سده یکی از جشنهای آتش محسوب می‌شود. قدمت زیاد این مراسم باعث شده تا درباره دلایل برگزاری آن روایاتی متعدد و گاه متناقض در منابع قدیم ثبت شود. در گذشته، جشن سده در گسترهٔ پهناوری از آسیای کوچک (آناتولی) تا استان سین کیانگ چین یعنی در سرتاسر ایران بزرگ، در بین همهٔ مردمان، فارغ از هر قومیت یا گرایش دینی رواج داشته و به مانند نوروز در روایت‌های مکتوب تاریخی به آن اشاره شده است؛ به همین دلیل هم در نقاط مختلف ایران کنونی و هم در بخش‌هایی از افغانستان و آسیای میانه و بدخشان تاجیکستان آثار جشن کهن سده باقی مانده است.

ایرانیان باستان آتش را همیشه فروزان نگاه می‌داشتند و آن را نشانهٔ اهورایی می‌دانستند و شعله‌اش را نماد فروغ ازلی می‌شمردند. آنان عقیده داشتند که شادی از بخشش‌های اهورایی و اندوه از پدیده‌های اهریمنی است. آنان غم را نمی‌شناختند و شیون و زاری را گناهی بس بزرگ می‌شمردند، از این رو می‌کوشیدند تا همیشه شاد باشند و در هر فرصتی جشنی سزاوار می‌آراستند و با گردهمایی به شادمانی می‌پرداختند.

جشن سده، جشن کشف آتش و یکی از کهن‌ترین آیین‌های شناخته شده در ایران باستان است. در این جشن، در آغاز شامگاه دهم بهمن‌ماه (طبق تقویم امروزی)، همه مردمان سرزمین‌های ایرانی بر بلندای کوه‌ها و بام خانه‌ها، آتش‌هایی برمی‌افروختند؛ رسمی که هنوز هم کم‌وبیش ادامه دارد و با خواندن ترانه و سرود در کنار شعله‌های آتش و آرزو برای رفتن سرما و بازگشتِ گرما همراه است و در برخی نواحی، جشن‌خوانی، بازی و نمایش‌های دسته‌جمعی نیز به آن اضافه می‌شود.

در گذشته، جشن سده در گسترهٔ پهناوری از آسیای کوچک (آناتولی) تا استان سین‌کیانگ چین یعنی در سرتاسر ایران بزرگ، در بین همه مردمان، فارِغ از هر قومیت یا گرایش دینی رواج داشته است.

امروزه این مراسم در میان روستانشینان شمال شرقی ایران همچون آزادوَر و روستاهای دشت جوین برگزار می شود. افروختن آتش در میان زمستان، در کردستان پیرامون سلیمانیه و اورامانات، در نواحی مرکزی ایران، در میان برخی روستانشینان و عشایر لرستان، کردستان، آذربایجان و کرمان نیز رواج دارد.

در مازندران، لرستان، سیستان و بلوچستان، کشاورزان و روستاییان و چوپان ها نزدیک غروب یکی از روز های زمستان روی پشت بام، دامنهٔ کوه یا کنار کشتزار و چراگاه آتش می افروزند و بنا بر سنتی دیرین پیرامون آن گرد می آیند، بی آنکه نام جشن سده بر آن نهند.

در نواحی گوناگون نام‌های مختلفی بر جشنی که در میان زمستان برپا می‌شود و با افروختن آتش همراه است، گذاشته‌اند: در خراسان «سَره»، در حوالی اراک «جشن چوپانان»، در خمَین «کَردِه»، در دلیجان «هَلهَله» و در کردستان «جشنِ پیرِ شالیار». در فراهان، سنگسر سمنان و جاهایی دیگر، چهار روز پیش و پسَ از دهم بهمن را «چاروچار» و سردترین شب‌ها می‌دانند که دهم بهمن در میانهٔ آن جای گرفته است.

در کرمان و بیشتر شهرهای آن استان، جشن سده یا سده سوزی با شکوه تمام برگزار می‌شود. در میان چادرنشینان سیرجان «سده‌سوزی چوپانی» برگزار می‌شود. در یکی از روستاهای جیرفت (آبادی بلوک از دهستان اسماعیلی) شب دهم بهمن آتش بزرگی به نام آتش سده، با چهل شاخه از درختان هرس شدهٔ باغ به نشانهٔ چهل روز (چلهٔ بزرگ) در میدان ده برمی‌افروزند و از روی آن می‌پرند و می‌خوانند:

سده سدهٔ دهقانی
چهل کندهٔ سوزانی
هنوز گویی زمستانی

موبد اردشیر آذرگشسب در کتاب مراسم مذهبی و آداب زردشتیان نوشته است: «این رسم از دیرباز در کرمان بر جای مانده و تا آنجا که پیران سالخورده از نیاکان خود به یاد دارند، همه ساله در روز دهم بهمن ماه برگزار می شود».

در کردستان جشنی به نام «پیر شالیار» در نهم و دهم بهمن هر سال برگزار می‌شود که قصهٔ آن به طور خلاصه چنین است: حدود ۱۰۰۰ سال پیش، در بخارا پادشاهی زندگی می کرد که دختری کر و لال داشت و هیچ حکیم و جادوگری نتوانسته بود او را معالجه کند، از سوی دیگر در منطقه اورامان کردستان، مردی مقدس به اسم پیرشالیار زندگی می کرد که دارای معجزه و کرامات بود و شهرتش عالمگیر. چون خبرش به پادشاه رسید، دخترش را به همراه برادرش (برادر پادشاه) راهی منطقه کرد. آن دو وقتی به نزدیکی روستا رسیدند، دختر احساس کرد که شنوایی‌اش را به دست آورده است. پیر شالیار از ورود آن ها با خبر بود و به پیشواز آنها آمد. هنگامی که آن دو تن به خانه پیر نزدیک شدند ناگهان از بالای کوه نزدیک آبادی، دیوی نعره کشان به درون دره افتاد و با افتادن دیو، زبان دختر نیز بهبود پیدا کرد. در این هنگام پیر شالیار به برادر پادشاه گفت: دو دیو گوش و زبان دختر را جادو کرده بودند و من با تیرهای غیبی آنها را نابود کردم. از آن جا که پادشاه گفته بود هر کس بیماری دختر را معالجه کند می تواند با او ازدواج نماید، دختر به همسری پیر در می‌آید. چون پیر شالیار از مال دنیا چیزی نداشت، اهالی کمک می‌کنند و برایش عروسی مفصلی می گیرند. در این عروسی هرکدام از طوایف، بخشی از هزینه‌ها و کارهای عروسی را برعهده می‌گیرند. پیر نیز قبل از مرگش وصیت می کند که تا آخر دنیا مراسم سالگرد عروسی‌اش را همه ساله برگزار کنند. امروزه هم، روز مراسم عروسی پیر شالیار به اطلاع همگان می‌رسد و با همیاری مردم، با روشن کردن آتش و پختن غذا بر روی آن و جشن و شادمانی و اجرای گونه‌ای رقص آیینی توسط دراویش، زمستان سرد اورامان به گرمی دل‌انگیزی بدل می شود.

هم زمان با فرا رسیدن دهم بهمن ماه، اصطلاح «چاروچار» و «اهمن (ا-بهمن) و بهمن» در برخی از مناطقِ ایران شنیده می‌شود. روزهای «چاروچار» و «اَهمن و بهمن»، هشت روز است که چهار روز آخر چله بزرگ و چهار روز اول چله کوچک را در بر می گیرد. سنگسری‌ها عقیده دارند که بین چلهٔ کوچک و چلهٔ بزرگ رقابت شدیدی برای سرد کردن هوا وجود دارد. با این که چلهٔ کوچک از برادر خود، چلهٔ بزرگ کوچک‌تر و تعداد روزهایش کمتر است، اما می خواهد که در سردی و برودت هوا بر او پیشی بگیرد و با او رقابت می کند. سرمای چاروچار نتیجه درگیری این دو رقیب است. به این ترتیب جشن دهم بهمن یکی از جشن های فصلی است که مرحله گذر از چله بزرگ به چله کوچک و در نهایت رسیدن به بهار را تداعی می کند. بعد از سده زمین گرم و کم‌کم برای بهار آماده می شود.

جشن سده با هر نامی و در هر جایی که برگزار شود، نشانه‌ای از مقاومت در برابر سرما و نمادی از راستی و پاکی است. باشد که با افروختن آتش سده، اشویی را در وجودمان بیفروزیم و همهٔ شعله‌های کوچک درونمان را با هم همازور کنیم تا گرمای آتش ما دنیایی بسازد سراسر راستی و پاکی.

منابع:
- بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران.
- تاریخ ایران (مجموعه مقالات پژوهشی پیرامون تاریخ ایران). به کوشش کورش محسنی.
- کریمی، حمیدرضا. «جشن سده در ایران»، مجلهٔ فرهنگ.
- سایت‌های: پایگاه پژوهشی آریابوم، تالار گفتگوی هخامنشیان، دانشنامهٔ آزاد ویکیپدیا، سایت سازمان تامین اجتماعی، اداره کل استان کردستان، سِیمره.

هنر ،جامعه، امروز

نسرین خنجری

صحبت و قرار این شده است که در پارس‌نامه، ستونی نیز به موضوع «هنر» تعلق گیرد. از اهمیت موضوع هیچ‌کس غافل نیست، چنان که ورد همه زبان‌هاست: «هنر برتر از گوهر آمد پدید». آنچه می‌ماند چگونگی پرداختن به آن، و حضور هنر در زندگی هریک از ما است.

تولید آثار هنری در هر جامعه ای، همچون هر محصول دیگری، به صورتی متقابل با مخاطب خود در ارتباط است. به این معنی که از یک سو آثار ارائه شده به جامعه مخاطب، سطح سلیقه و درخواست مخاطب را می‌سازد، همچنان‌که از سوی دیگر، میزان و نوع درخواست مخاطب مصرف‌کننده، بر سطح تولید این آثار اثَر می گذارد. بدین ترتیب هریک از این دو می‌تواند دیگری را ارتقا بخشد یا رو به نزول آورد.

متأسفانه در جامعه کنونی ما، هنرمندان و نیز مخاطبان اندکی بار مسئولیت ارتقای هنری را بر دوش دارند. دیگران اما گویی مخاطبان یا مصرف‌کنندگان صِرف هستند که هرآنچه به آن‌ها عرضه می‌شود می‌پذیرند، بی اراده یا دانشی برای انتخاب. و چنین است که، باز متأسفانه، بسیاری از تولیدکنندگان نیز بنا بر بی‌نظری مخاطب، هرآنچه بی کیفیت‌تر و آسان‌تر باشد، برای فروش بیشتر، به بازار عرضه می کنند.

و نتیجه این عمل شکافی است که روزبه‌روز میان هنر مترقی و ابتذال هنری شکل می گیرد و عمیق‌تر می‌شود و مخاطبان آثار هنری، به دو گروه خاص و عامه تقسیم می‌شوند. بدین ترتیب آنچه عامه با آن سروکار پیدا می کنند، موسیقی پرسروصدای لس‌آنجلسی است با اشعاری سطحی، فیلم‌ها و تئاترهایی است بی‌مضمون و صرفاً لوده و خنده‌دار، و تابلوهای نقاشی واقع‌گرای رنگ‌روغن.

صحبت آن نیست که این‌ها آثاری بی‌ارزشند. مسلم است که سطوح مختلف آثار برای سطوح مختلف جامعه ضروری است و یک اجتماع را کامل میکند و نیازش را پوشش می‌دهد. صحبت از گستردگی آن است و دانشی که سلیقه مخاطب را می‌سازد تا از میان آنچه وجود دارد، دست به انتخاب بزند.

درصد اندکی از جامعه، گوش‌هایشان را به شنیدن موسیقی فاخر عادت داده‌اند، تماشای یک تئاتر غیرخنده‌دار را با خانواده یا دوستان در برنامه ماه آینده‌شان گذاشته‌اند، و یا به دیدن موزه هنرهای معاصر یا گالری‌های مختلف می‌روند تا آثار تجسمی سبک‌های مختف را نظاره کنند.

جز این، بسیاریمان اطلاعات ریز نادرستی نیز در این موارد با خود حمل می کنیم. سازی به نام «درامز» را به اشتباه «جاز» می‌نامیم، که این دومی در واقع سبکی از موسیقی است. لغت «تانگو» را برای یک رقص آرام دونفره به کار می‌بریم، درحالی که تانگو موسیقی و رقصی تند و پرشور است. تئاتر غیرخنده‌دار را مقداری دادوبیداد نامفهوم روی صحنه می‌پنداریم که ارزش صرف پول و وقت را ندارد. به فیلمی که پایانش غم‌انگیز باشد به جای «تراژدی» یا «ملودرام تلخ» می گوییم «درام». نمی‌دانیم چرا «پیکاسو» اینقدر معروف است و برای چه این‌طور نقاشی کشیده است و یا نقاشی‌های انتزاعی «جکسون‌پلاک» را فقط قدری رنگ پاشیده بر بوم دیده‌ایم. ...

به نظر می‌رسد از علل این نوع نگاه، کمی دانش ما نسبت به ماهیت و نیز تاریخ و روند شکل گیری سبک‌های مختلف هنری است؛ چیزی که به واقع بخشی از آن به دلیل در دسترس نبودن منابع اطلاعاتی درست برای همگان بوده است، و نیز همان شکافی که از آن نام برده شد. آنچه بدین ترتیب ضروری به نظر می‌رسد، بالا بردن سطح دانش و بینش مخاطبان است نسبت به کلیه آثار و محصولات هنری.

بدین امید، تلاش این ستون از پارس‌نامه بر این خواهدبود که در هر شماره نرم‌نرمک به بازگویی بخشی از تاریخ و نظریات هنری جهان و ایران بپردازد. این تلاش ما را یاری می‌رساند تا بیشتر بدانیم، درست بدانیم، و با بالا بردن سطح سلیقه هنری و وسعت حوزه انتخاب، هنر و زیبایی را به‌جا و مطلوب، در زندگی‌مان مهمان کنیم.

گوی و چفته

شیرین خوبچهر

در قسمت نخست خواندیم که گوی وچفته یک بازی محلی است که با قوانین خاص خود در نقاط مختلف کشور انجام می شود.در این بازی از یک گوی پشمی یا پلاستیکی و چوبی بلند استفاده می شود.

چوگو (یا گوبازی در کرمان)

این بازی را در محیط باز بین دو گروه مساوی (حداقل شش نفره) انجام می دهند این بازی از یک توپ پشمی و چوب گردی به قطر ۵ سانتیمتر و به طول یک متراستفاده می شود .دو نفر سردسته به نام «سالار» انتخاب می شود . این دو سردسته یارگیری می کنند. سپس برای شروع بازی محلی را انتخاب می کنند و در فاصله چهل متری آن، جایی را به نام «داک» مشخص می کنند. سپس بر می اندازند که کدام گروه باید بازی را شروع کند. توپ دراختیار گروه برنده،قرار می گیرد و گروه بازنده در داخل زمین جای می گیرد.

از گروه بازنده یک نفر به نقطه آغاز بازی می رود تا توپ را به زننده توپ پاس دهد بازیکن گروه برنده که چوب را در دست دارد، باید توپی را که بازیکن گروه بازنده به او پاس می دهد . با چوب بزند و بازیکنان گروه پایین تلاش می کنند بدون آنکه توپ به زمین بخورد آن را در هوا بگیرند. اگر پیروز شوند جای دوگروه عوض می شود.

بازیکنی که توپ را با چوب زده است بلافاصله با حالت دویدن خود را به «داک» می رساند و برمی گردد. در این فاصله افراد گروه پایین که توپ را به دست آورده اند، کوشش می کنندکه او را با توپ بزنند که اگر موفق شوند جای دو گروه عوض می شود. ولی اگر گروه بازنده نتواند دونده را بزند، نوبت به یک نفر دیگر از اعضای همان گروه می رسد که توپ را با چوب بزند.

این بازی محلی این روزها به صورت یک ورزش مدرن و در چهارچوب ضوابطی تعریف و انجام می شود .«چوگو» را شاید می توان نوع جدید وضابطه مند این ورزش نامید.

قوانین و مقررات رشته ورزشی چوگو(در ورزش همگانی کشور)

تعریف: رشته ورزشی چوگو یکی از رشته‌های ورزشی است که به نام های گوناگون در اغلب نقاط ایران برگزار می‌شود. این رشته از تحرک بالایی برخوردار بوده و نیاز به قدرت و سرعت دارد، ورزشکاران این رشته باید دارای آمادگی جسمانی بالا، دوندگی خوب، چابکی و سرعت عمل بالا باشند. این رشته در گذشته و در ایام فراغت و در جشن ها توسط علاقمندان در اغلب نقاط کشور برگزار می‌شده است.

زمین بازی: طول ۹۰ متر و عرض آن ۶۰ متر و جنس آن چمن یا خاکی است.

تعداد ورزشکاران : ۶ نفر بازیکن اصلی سه نفر ذخیره ، جمعاً ۹ نفر

مدت زمان بازی: ۴۰ دقیقه که در دو تایم ۲۰ دقیقه با ۵ دقیقه استراحت بین دو نیمه است.

تعداد داوران: (۴ نفر) که یک نفر سر داور- دونفر داور اصلی و یک نفر منشی و وقت‌نگهدار

لباس بازیکنان: پیراهن ورزشی، شلوار گرمکن و کفش ورزشی مناسب چمن یا خاکی

وسایل بازی: توپ تنیس و چوب به طول ۷۰ سانتیمتر و قطر ۵ سانتیمتر

نحوه بازی: این بازی بوسیله توپ و چوب بین دو تیم ۶ نفره برگزار می‌گردد که یک تیم زننده توپ و یک تیم گیرنده توپ است.

زمین این بازی دارای ۴ ایستگاه می‌باشد:

الف) ایستگاه استقرار ورزشکاران

ب) ایستگاه زدن ضربه

ج) ایستگاه استقرار بازیکنان سوخته

د) ایستگاه دکه

بازی به وسیله داور و پس از تعیین تیم زننده و تیم گیرنده توپ شروع می شود (قرعه یا سکه).

تیم مهاجم (زننده توپ) در ایستگاه شماره یک قرار گرفته و تیم گیرنده توپ و مدافع در زمین استقرار می‌یابند. یکی از بازیکنان تیم مهاجم توپ را از ایستگاه شماره یک به وسیله چوب پرتاب می‌نماید و سعی می‌کند توپ به ایستگاه‌های داخل زمین برود و به ایستگاه شماره یک برگردد.

ادبیات شفاهی (۴)
مثل‌ها و اصطلاحات هفتهٔ گذشته (به لهجه خرمشاهی)

ناهید استقامت

۱- māstər čən tå prāna-ye veštər-e tā še teka e kārta.

۱- ماستر چن تُو پرانَه وِشتِرِ تا شِه تکه ا کارتَه.

بزرگتر، چند تا پیراهن بیشتر از تو پاره کرده است.

(یعنی تجربهٔ بزرگترها بیشتر است، پس اندرزها و تجربه‌های آنها را به کار گیر و بپذیر).

۲- gaf-e pirun-e γadim āre åv-e tli vəvo mnešte.

۲- گَفِ پیرونِ قَدیم آرِ آوِ تلی وِوُ منشته.

حَرفَ پیران قدیم [را]، با آبِ طلا باید نوشت. (یعنی سخنان نیاکانَ دنیادیده و باتجربه مثل گنج است که آنها را باید حفظ کرد و به یادگار گذاشت تا دیگران نیز بیاموزند و بهره ببرند).

۳- rāvən-e hār ki črå a seji.

۳- راوِنِ هار کی چرُو اَ ، سِجی.

روغن هر کس [که در] چراغ است، می‌سوزد [و خدا می‌داند که چه کسی این روغن را خریده و نذر چراغ کرده است].

(یعنی اگر کار خیری انجام می‌شود، ثوابش به بانی خیر می‌رسد که نیتش را داشته و هزینه آن را داده است، نه به کسی که برای خودنمایی یا به دروغ کار را به اسم خود تمام می‌کند.

در اندرزنامه مینوی خرد آمده است: «مرد توانگر بسیار خواسته اگر خواسته از درستی گرد نکرده باشد، حتی اگر آن را در کار نیک هم خرج کند، آن کار نیک از آنِ او نباشد؛ چه کار نیک از آن کسی است که از او مال ربوده شده است»).

۴- jeng-e xδå na bu šo.

۴- جِنگ خدُو نَبو شُو.

[به] جَنگ خدا نمی‌توان رفت. (یعنی با خواست خدا نمی‌توان مبارزه کرد، مربوط به مواقعی است که اتفاقی ناگوار یا خارج از اختیار و خواست آدمی رخ داده باشد).

۵- hār či xåst-e xδå on.

۵- هار چی خُوست خدُو اُن.

هر چه خواست خداست.

چند اصطلاح (به لهجه محله یزد)

۱- iSeW oY irlga Sat idmo rvgam ؟

۲- etnlrp Sat o tpak ras em Sat tSok d-eg e-pag om!

۳- injus e Sat o inibaz aG - ec!

۴- tinim e Grab-o-Sat ,no nibaz aG - ec !

۵- midln Sat eS nic eyinozan!

داستان های خورشیدبانو (۲)

فرانک مهربانی

-کس دیگه ای نمی یاد؟

گل همسایه با دست‌پاچگی گفت:

-می یان...کم کم می‌یان!از سر ده شروع می‌کنن تا به اینجا برسن... تازه هنوز زوده. من و رستم زودتر اومدیم که اگه کاری داری انجام بدیم، حالا هم می ریم و بعد با بقیه می‌یایم.

نگاه خورشیدبانو به طرف کیچه کشیده شد. مردی عبوس کنار دیوار ایستاده بود و از سر تاسف سری تکان داد و گفت:

-بلند شو گل، بریم. که بعد بیایم.

گل همسایه غرغرکنان چند انار مانده از پاییز و یک شاخه مورد سبز را از پر مکناش درآورد و جلوی سفره، کنار پیراهن قشنگ مادر که تاخورده بود گذاشت آهی کشید و گفت:

-خداش بیامرزه! زن بیچاره، سر پیری فقط تو براش موندی!

بعد هم بی آنکه رویش را برگرداند برای همه رفتگان خدامرزی فرستاد و همان‌طور که به حرفهایش ادامه می‌داد، بیرون رفت.

خورشید بانو سرش را روی زانوهایش گذاشت. بوی خوش سیرگ و حلیم که از سفره پهن شده می آمد با بوی سیروسداب در هم آمیخته بود.از جا بلند شد و ظرف‌ها را به ترتیب روی سفره چید، کاسه های مسی را که مادر برای کارهای پاکی کنار گذاشته بود، سر جوی آب روان شست و غذاهای گوناگون را که تهیه کرده بود در آن ریخت.

خانه دولت دینیار ، مادر خورشید بانو تفریبا ً میان ده بود و جوی بزرگی که از ابتدای ده تا پایین ده از کوچه های آن می گذشت، از زیر خانه آن ها رد می شد . کمی پایین تر از خانه با پایین رفتن چند پله می توانستند از آن برای شستشو و تمیزی استفاده کنند ، اما آب خوردن را می بایست با مشربه های بزرگ که اقلا ً چند گالن آب را در خود جا می داد، از آب انبار که حدود چند صد متر آن طرف تر بود، می آوردند.

خورشید بانو همیشه به مادرش برای آوردن آب کمک می کرد اما بعضی وقت‌ها که مادر به تنهایی می رفت با دلخوری تعریف می کرد که اون چون پسر ندارد هیچ دختری برای کمک به او و آوردن آب از چهل پله آب انبار کمک نمی دهد و در عوض مادرهای پسردار از این بابت همیشه در رفاه بودند .

خورشید بانو با صدای تق تق از جا پرید . قلبش تند تند زد. همه برای پرسه روز اول سال نو برای خدامرزی مادرش آمده بودند. خودش را جمع و جور کرد، اما هر چه کرد وقتی میهمانان خواستند بروند، تنوانست از جایش بلند شود. او رسم را می دانست، پشت سر مهمان به پرسه آمده، نباید بلند می شد، آن‌ها با این خرافات بزرگ شده بودند.

محکم به زمین چسبیده بود. گلویش خشک شده بود، دست سنگینی از پشت سر تکانش داد و آرام گفت : - بلند شو مادر، بلند شو عزیزم چه خواب سنگین رفتی! بلند شو نزدیک ظهره، چیزی تا گاه رپتون نمونده، می‌تونی گاه رپتون غذا بخوری.

خورشید بانو چشم هایش را آرام باز کرد. دهانش خشک بود، قلبش تند تند می زد و وقتی صورت مادر را مقابلش دید دستهایش را به دور گردن او حلقه کرد و با صدای بلند شروع به گریه کرد

- مادر – مادر تو حالت خوب است- و صورت مادر را غرق بوسه کرد.

خورشید بانو از هیجان این که تمام آن اتفاق‌ها خواب بوده، آرام و قرار گرفت. بعد هم دست مادر را گرفت و به طرف گهنبار خانه راه افتادند ....

-مادر! وقتی از گهنبار بر گردیم درست موقع گاه رپتون یه غذای خوشمزه منتظر منه!

مادر کنار در چوبی خانه انتهای کیچه (دالان ورود و خروج خانه) منتظر بود که خورشید بانو با سرعت دوید و گفت:

- «می «(مادر) داره نم نم بارون می‌یاد چکار کنیم ؟

مادر که بر اثر رطوبت و باران شب گذشته دست‌ها و کمرش درد گرفته بود به در تکیه زد و خندید:

ادامه دارد

فردوسی و جشن سده

نگاهی بر اندیشه فردوسی برای پاسداشت جشن های ایرانی

الیکا بقایی

ابیات شاهنامه درمورد جشن سده را بارها شنیده ایم و روایت هایی که در مورد پیدایش آتش گفته شده را نیز به دفعات خوانده ایم. بسیاری را عقیده بر این است که این جشن یادمان گذشت صد روز از رفتن رپیهوین Rapiθwa به دنیای زیرزمینی است و یا بهتر است همچون خانم مری بویس بگوییم صد روز پس از رفتن و پنجاه روز پیش از آمدنش در نوروز. ایزد رپیهوین در اوستا معنای نیمروزدارد و مفهوم آن گاه نیمروز، گرمای نیمروز و مینو یا ایزد موکل بر نیمروز است و نشان دهندهٔ گاه آرمانی در فرهنگ ایران باستان (آموزگار ۱۳۸۶: ۳۹۵-۳۹۹) شب چله (یلدا) دشوارترین زمان سفر او به زیر زمین است زیرا تاریکی و سرما در اوج خود است و چون از فردای پس از شب چله (یلدا)، خورشید یا مهر دوباره متولد شده و طول روزها گسترش می یابند پس به قول مهرداد بهار جشن سده گذشت چهل روز از تولد خورشید است و یادمانی از نیرو گرفتن و بزرگ شدن او، و در این صورت واژهٔ سده از معنی صد جدا می شود و به روشنایی ربط می یابد. شاید برگزاری این جشن در مهر روز از بهمن ماه نیز به این سبب باشد. از طرفی سده در بهمن ماه برگزار می-شود که نام آن در فارسی باستان نیامده ولی شکل ایلامی آن را شاید بتوان Zimmar خواند، هم خانواده با واژهٔ zam- که به معنی زمستان و فصل سرد است (آموزگار ۱۳۸۶: ۲۳۲) و نیاز به آتش و گرما برای دامپروران و کشاورزان بیش از هر زمان دیگر ضروری است. از آنجا که جشن یا یزشن از ریشه yaz- و ستایش کردن(احترام گذاشتن) است، پس می توانسته نوعی ستایش این عنصر ضروری زندگی و ایزد (مورد احترام) آتش نیز بوده باشد. و به هر روی فلسفهٔ آن هر یک از این موارد باشد؛ چه یادبود شب یلدا، چه مراسمی برای ستایش و حمایت ایزد رپیهوین، چه برای گذشت صدمین روز از زمستان و سرما، جشنی از شمار جشن های آتش و شاید دست کم امروزه از بزرگ ترین آن است. و همین امر است که در اسطوره ها سده را تبدیل به جشنی برای پیدایش آتش به دست هوشنگ کرده است. اسطوره گاهی بظاهر حوادث تاریخی را روایت می کند، اما آنچه در این روایت ها مهم است صحت تاریخی آنها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان ها برای معتقدان آنها در بر دارد. (آموزگار ۱۳۸۳: ۳-۴)

اما چرا هوشنگ؟ نخست آنکه نخستین شاه و کدخدای جهان یعنی کیومرث که پدر بزرگ هوشنگ است هرگز به جنگ اهریمن و دیوان نرفت و پسرش سیامک -پدر هوشنگ- نیز در جنگ با ایشان کشته شد پس نخستین دیوکش شاهنامه هوشنگ است. در اوستا هوشنگ برای پیروزی در برابر دیوان و بویژه دیوان مازنی برای آناهیتا، درواسپا، وایو، اشی قربانی می کند و در این راه از یاری فروهرها و فرّه نیز برخوردار می گردد. اگر یشت هایی را که در آنها نام شاهان افسانه ای برده شده است را بررسی کنیم، می بینیم که همه جا فهرست نام ها با هوشنگ آغاز می شود، به استثنای فروردین یشت. هوشنگ در اوستا همیشه لقب «پرذاته» دارد. این کلمه می تواند چنین معنا داشته باشد: «کسی که پیش از [دیگران] آفریده شده است.» و ترجمهٔ پهلوی آن «پیشداد» با آن مطابق است. بعدها که فعل «دادن» معنی «آفریدن» را از دست داد، نام «پیشداد» معنی «کسی که نخستین بار قانون شاهی را معمول کرد» یا فقط «کسی که نخستین بار قانون گذارد» به خود گرفت و در آن اشاره ای به نقشی که هوشنگ در ایجاد تمدن داشت می دیدند. (کریستن سن ۱۳۸۳: ۱۶۶- ۱۷۶)

وزان پس جهان یکسر آباد کرد
همه روی گیتی پر از داد کرد

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در وصف فردوسی و زمانهٔ وی نوشته است: «فردوسی در نظر مردم ایران گوینده ای مانند دیگران شناخته نمی شده که او رادر درجه ای از درجات شاعری قرار دهند و بس، وی علاوه بر گویندگی، سخنگوی تیره ای از فکر سیاسی است که در ایران بعد از اسلام همواره جریان داشته است. (اسلامی ندوشن ۱۳۸۳: ۴-۵) در این زمانه فردوسی با اندیشه ای دوربینانه باید نقش خود را برای زنده نگه داشتن آیین های ایرانی ایفا می نمود ولی وی می بایست این کار را با تساهل و زیرکانه انجام می داد تا مورد تعارض و دشمنی گروه مقابل که محمود غزنوی نمایندهٔ آن بود قرار نگیرد. کسی که در عین عرب مآبی ترکانه، ایران گرایی را از دو جهت خالی از جاذبه نمی دید. یکی آنکه خود را جانشین سامانیان می دانست و میل داشت که از روش ها و آئین های آنان تقلید کند و از آنان درگذرد و دیگر آنکه با شکوه خسروان گذشته هم چشمی داشت؛ شکوه و دبدبهٔ آنان را می پسندید و مایل بود که از جانب مدّاحانش با آنان مقایسه گردد و از آنان برتر نهاده شود (اسلامی ندوشن ۱۳۸۳: ۴۲) بی شک شاعرِ خردمند ما می دانسته که برای چنین شرایطی قطعاً باید جشن هایی را انتخاب می نمود که دو شرط لازم را برآورده می-ساختند نخست اینکه این جشن ها باید در دنیای غیر دینی توجیه پذیر باشد تا در میان مردم ایران در تمام گروه ها رواج یابد و دیگر اینکه قدمت آنها به شاهان و خسروان باستان برسد. وی سه جشن را که در سنت غیر زرتشتی نیز توجیه دارد حفظ می کند که آن را به سه شاه پیشدادی بزرگ منسوب می داند و آن سه جشن همان نوروز، مهرگان و سده هستند

اگرچه در شاهنامهٔ فردوسی هوشنگ نه نخستین شاه است و نه در فرمانروایی خود شاهی دیوبند است ولی فردوسی بزرگ از جایگاه هوشنگ در پس ذهن مردمان کاملاً آگاه بود پس باید عنصر آتش که نخستین ابزار لازم برای ساختن تمدن است به او نسبت داده می شد و بدین ترتیب او آورندهٔ آهنگری نیز بود.

نخستین یکی گوهر آمد به چنگ
به آتش ز آهن جدا کرد سنگ
چو بشناخت، آهنگری پیشه کرد
گراز و تبر ، ارّه و تیشه کرد

پس اگر شاه زمانهٔ فردوسی نیز بزرگ و خردمند است می بایست این سنت را بسان او حفظ کند و این می شود که شد و امروزه نیز هنوز سده پابرجا و پردوام در میان ایرانیان برگزار می شود. فردوسی در این مفهوم می توانست آتش را که زرتشتیان قرن ها پریستاری می کردند به عنوان برترین، اولین و ضروری ترین اختراع شاهانه معرفی نموده و حرمت داشتن آن را نیز نشانی از خردمندی شاه پرستنده برشمارد بی آنکه نیازی باشد تا نامی از دین پیشین ایرانیان و اسطوره های زرتشتی به میان آورد و خشم متعصبان را برانگیزد.

جهاندار پیش جهان آفرین
نیایش همی کرد و خواند آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد
همین آتش آنگاه قبله نهاد
بگفتا فروغیست این ایزدی
پرستید باید اگر بخردی

ولی این آتشی است که در نتیجه تلاش شاهی پیروزگر چون هوشنگ برای نابود کردن ماری سیاه چون اهریمن بدست آمده است. توصیفی که فردوسی از آن مارسیاه دارد با تصویری که از یک مار طبیعی می توان بدست آورد قطعاً متفاوت است.

پدید آمد از دور چیزی دراز
سیه رنگ و تیره تن و تیزناز
دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون
ز دود دهانش جهان تیره گون

و فردوسی نیز این را خوب می داند چه فر کیانی را که در اوستا برای کشتن دیوان به یاری هوشنگ می آید برای کشتن این مار سیاه رنگ لازم می بیند.

به زور کیانی رهانید دست
جهان سوز مار از جهانگیر رست

همچنین این مار کشته نشد چنانچه اهریمن نیز تا پایان شاهنامه هرگز نمی میرد و در اساطیر ایران زمین نیز. ولی نبرد میان تیرگی اهریمنی و روشنی ایزدی اینجا به نمایش گذاشته می شود و بن مایهٔ آن – آتش - حاصل این نبرد و سمبلی از ایزد روشنایی و فروغ ایزدی است.

نشد مار کشته ولیکن ز راز
از آن طبع سنگ آتش آمد فراز
هرآنکس که بر سنگ آهن زدی
ازو روشنایی پدید آمدی

در این معنا است که فردوسی این جشن را در کنار دو جشن بزرگ دیگر یعنی نوروز و مهرگان آورد تا قرنها بعد ایرانیان فرهیخته با خواندن آنها این جشن، این عنصر زندگی و نخستین و مهم ترین عامل تمدن ساز را ستوده و در پاسداشت این میراث کهن خویش بکوشند. در دنیایی که بر هرتکه از میراث ایران، کس یا کسانی که نه الزاماً نگه دارندگانی بدتر از ما هستند ولی دست کم ایرانی نیستند و نیز ایرانیانی بی هویت و بی تاریخ ولی مترصد جعل نمودن تاریخ ایران، دندان طمع گرد نموده اند و قصد تکه تکه کردن آن را دارند، برگزاری باشکوه تر این جشن ها می تواند نوعی قدردانی و قدرشناسی از این شاعر بزرگ باشد که به راستی هوش و زیرکی اش برای ایرانیان ستودنی است. به راستی او خود می دانست که چه کاری کرده و کاخ بلندش را هیچ باد و بارانی گزند نمی رساند مگر آنگه ساکنین، کاخ بلند را ترک گویند و سرگذشت کاخ مترو که نیز چنان است که میدانیم و جایگاه ایشانی که می شناسیم.

مانتره، سخن اندیشه برانگیز اشوزرتشت (۷)

پورچیستا

موبد پدرام سروش پور

«ای پورچیستا از دودمان هیچدسپ از خاندان اسپنتمان، ای جوان ترین دختر زرتشت، مزدااهورا، او را که به منش پاک و راستی و پاکی، دلبستگی و ایمان دارد، به عنوان همسر به تو بخشید، پس با خرد نیک خود مشورت کن و با عشقی پاک و آگاهی کامل رفتار نما.» هات۵۳-بند۳

بر پایهٔ تفسیر این بند در نوشته های زند، اشوزرتشت درخواست جاماسب وزیر دانا و دین یار گشتاسب برای ازدواج با کوچک ترین دخترش پورچیستا را با او در میان گذاشته و از او خواسته است پس از مشورت با خرد خود، بر پایهٔ آرمئیتی (عشق و آگاهی) تصمیم بگیرد.

نگاه اشوزرتشت در گات‌ها به تمامی انسان‌ها یکسان و همان نگاهی است که اهورامزدا به جهان و تمام آفریده‌های خود دارد. ارج نهادن به برابری انسان‌ها جدا از هر قومیت، ملیت و جنسیتی . این یکی از پایه‌های بنیادین دین زرتشتی است. در گات‌ها و بخش‌های اصلی اوستا یعنی یسنا، یشت‌ها، ویسپرد و خرده‌اوستا هیچ سرودی وجود ندارد که در آن کوچک‌ترین تبعیضی بین زن و مرد و حقوق شان قائل شده باشد. روی سخن اشوزرتشت در گات‌ها همواره با همهٔ زنان و مردان است و فرهنگ ایرانی که بر پایهٔ این آموزهٔ ارزشمند شکل گرفته، به برابری زنان و مردان چنین رویکردی داشته است. جشن چند هزار سالهٔ اسفندگان که جشن سپاس و احترام به جایگاه زنان می‌باشد، از یادگارهای باارزش این فرهنگ است. نام «پادشاه‌زنی» برای پیوند زن و مرد زرتشتی، نمونهٔ دیگری از ارزش والایی است که به مقام زنان داده شده است.

پورچیستا به معنی «دارندهٔ دانش بسیار» است. در اوستا واژه چیستا که به دانش ترجمه شده، با واژه دین هم‌معنی آمده است؛ در دین یشت اوستا که سرودهایی در توصیف دین است، همه‌جا از واژهٔ چیستا به جای دین استفاده شده است و در پیمان دین نیز ما زرتشتیان پیمان می بندیم که از «راست‌ترین چیستا (و دانش) اهورادادە» که همان دین پاک بهی است، پیروی کنیم.

اشوزرتشت در هات ۵۳، از پورچیستا در کنار بزرگانی چون کی گشتاسب، میدیوماه و فرشوشتر نام می‌برد. دانایانی که به احتمال زیاد همان پایه‌گذاران انجمن برادری(مغان) در گات‌ها می‌باشند.

در حالی که در طی تاریخ پرفراز و نشیب زرتشتیان، زنان همواره از پشتوانه‌های اصلی دین و دینداری در جامعهٔ زرتشتی بوده‌اند، این پرسش مطرح است که به چه دلیل زنان به خصوص امروزه در مقام موبدی به صورت رسمی فعال نیستند. مهم‌ترین دلیل این امر را باید در شرایط خاص زرتشتیان در سده‌های گذشته دانست که به دلیل جلوگیری از آسیب دیدن زنان، آنها را در لایهٔ دوم و پشت موبدان مرد قرار داده‌اند؛ البته باورهای وسواس گونه در نگاه به مسائلی چون پاکی و ناپاکی در این رویه بی‌تاثیر نبوده است. خوشبختانه امروزه با بالا رفتن آگاهی عمومی و سطح بهداشت جامعه و مهم‌تر از همه شرایط فرهنگی مطلوب، این شرایط فراهم آمده است تا بیش از پیش بتوانیم با درک و شناخت باورهای پایه‌ای اشوزرتشت، آنها را در زندگی به کار بریم. بی‌تردید نگاهی نو بر پایهٔ خرد کامل و باورهای بنیادین اشوزرتشت به مسائل دینی، می‌تواند در توسعه و تکامل دینی جامعه بسیار موثر باشد.

هنرمند تاثیر گذارو تاثیرپذیر از جامعه

منوچهر باستانی

بعدازظهر یک روز دوشنبه چشم انتظار رسیدن یکی از هنرمندان جامعه بودم.با این دلواپسی که باید با کسی گفت وگو می کردم که موفقیت های خوبی را در جامعه هنری کسب کرده ودر جامعه خودمان نیز افراد زیادی با اسم و کارهای ایشان آشنایند.از سال ها قبل هروقت هنرمندی را در شاخه های مختلف می دیدم حس می کردم که چرا آنها خودشان را تافته جدا بافته می دانند وهمین باعث می شد دلواپسی من برای گفت وگو با آنها بیشتر شود. با همه این پیش زمینه ها،وقتی پونه اشیدری به همراه همکارم به محل قرار رسید با لبخندی به سادگی کلامش،مرا از تمام دلشوره ها دور کرد.ساده وراحت ومهربان وبدون هیچ تعارف و کلاسی با ما به گفت وگو نشست . سه ساعتی میزبان او بودیم و علاوه بر اینکه با روحیاتش آشنا شدیم درس های زیادی نیز یاد گرفتیم .

پونه اشیدری متولد سال ۱۳۶۳ درتهران، فارغ التحصیل رشته گرافیک در مقطع کارشناسی از دانشکده پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران،عضو انجمن نقاشان ایران وهم اکنون دانشجوی فوق لیسانس رشته تصویر سازی است.

برگزاری۴ نمایشگاه انفرادی در نگارخانه کمال الدین بهزاد(نمایشگاه تصویرسازی)، فرهنگسرای هنر ۱ (نمایشگاه نقاشی) خانه هنرمندان ،نگارخانه میرمیران (نمایشگاه نقاشی) وگالری سیحون (نمایشگاه نقاشی) و حضوردر۱۲نمایشگاه گروهی از سال ۱۳۸۳الی ۱۳۸۹ بخش هایی از کارنامه هنری اوست.در حال حاضر نمایشگاهی از کارهای وی با نام خاموشی دیگران در گالری برپاست.

پونه اشیدری دربخش پویانمایی وتصویرسازی کانون پرورش کودکان ونوجوانان وهمچنین انتشارات سروش کودک ، کیهان بچه ها وچندین مجله کودک ونوجوان وهمچنین با انتشارات شباویز همکاری داشته است.ایشان در کانون دانشجویان نیز عضو بوده وطراحی بسیاری از پوسترهای مسابقات مانتره،مسابقات جام جانباختگان وهمچنین طراحی تقویم ازسوی انجمن زرتشتیان را برعهده داشته است.

● چرا از میان این همه رشته تحصیلی شما رشته هنر را انتخاب کردید؟

خانواده من معتقد بودند که رشته هنری آینده خوبی ندارد ودوست نداشتند که من در این رشته درس بخوانم . موقعی که من شروع کردم فضای الان وجود نداشت ودید به هنر وهنرمند خیلی منفی بود. پدرم همیشه می گفت که رشته ای مثل ریاضی وتجربی بخوانم ودر کنارش هنر را ادامه بدهم . تا سال سوم دبیرستان خیلی دودل بودم ولی من خیلی دوست داشتم بروم ببینم که در هنرستان چه اتفاقی می افتد و چه کتاب هایی را می خوانند . من از دبیرستان خیلی جدی نقاشی را دنبال می کردم وهمیشه منتظر۵شنبه وجمعه بودم که سراغ آن چیزهایی که دوست دارم،بروم.برایم سخت بود که با وجود علاقه به نقاشی بنشینم ومثلا ریاضی بخوانم . من سه سال دبیرستان را ریاضی خواندم وپیش دانشگاهی به هنرستان رفتم . هنرستان فضای دوست داشتنی بود ولی پشیمان نیستم که چرا از اول آنجا نبودم. شاید اگر از اول هنرستان می رفتم آن اشتیاق در وجود من انباشته نمی شد.

● با اینکه اشتیاق شما به نقاشی بود چرا گرافیک را انتخاب کردید؟

واقعیت این بود که من هیچ وقت جرات نکردم رشته نقاشی را در دانشگاه انتخاب کنم . در انتخاب رشته، اولویت اول من گرافیک بود وبعد از آن نقاشی. وقتی شما به یک چیزی به صورت شخصی علاقه دارید واز آن دنیایی برای خود می سازید ممکن است در محیط دانشگاه وآکادمیک آن تصویرعوض شود ومن نگران این موضوع بودم .

● تفاوت تصویر سازی با نقاشی چیست؟

شما در تصویر سازی براساس موضوع کار می کنید. یک سفارش دهنده ای دارید ویک موضوعی به شما می دهد و قرار است کار شما را یک مخاطب مشخص و یا یک گروه سنی مشخص ببیندودر کتاب ویا مجله چاپ شود ولی در نقاشی مخاطب وموضوع را خودت انتخاب می کنی . تصویر سازی جذابیت های خاص خودش را دارد. وقتی اثرتو چاپ شود ودر دست مردم بچرخد در بعضی مواقع حتی از نقاشی هم جذاب تر می شود اما عواقب نقاشی با خودت است،اینکه یک سال کار کنی وبعد به مجموعه ات نگاه کنی اضطراب خاص خودش را دارد.

● شما با این آگاهی که هنر، بازار کار خوبی ندارد چرا آن را انتخاب کردید ؟

ببینید رشته های هنری جذابیت وطرفدار خاص خودش را دارد. پدرم با نگاهی که به آینده داشت دوست نداشت من وارد کار هنری شوم چون می دانست همانند یک کارمند به طور ثابت حقوقی دریافت نمی کنم وباید برای یک سفارش چندین ماه کار کنم ضمن اینکه شاید آن کار در نهایت هم از سوی ناشر قبول نشود و در نتیجه تمام زحمات بی نتیجه بماند. متاسفانه کارهای هنری دیر به بار می نشیندوسلیقه مخاطب در این نوع کار خیلی مهم است .به هر حال من در این کار به دنبال پول نبودم.اگر بخواهم دنبال پول باشم احتمال اینکه راه را اشتباه بروم زیاد است. چون شما به خاطر پول ممکن است کارهای مختلفی را قبول کنید در حالی که این کار می تواند یک کار صرفا تجاری باشد.

● در شاخه سینما می توان هنرمند مشهوری بود ودر کنار آن کار تجاری ومردم پسند هم داشت آیا در تصویر سازی نیز این امکان وجود دارد؟

صددرصد. مرز بین کار عامه پسند وکار ارزشمندی که مورد پسند واقع بشود خیلی باریک است . من مخالف هنرمندانی هستم که می گویند حس من در اینکار باعث شد اثری را خلق کنم حال ممکن است کسی دوست داشته باشد شاید هم دوست نداشته باشند. به نظر من اگر کسی می خواهد برای دلش کار کند باید اثرش را درخانه بگذارد، وقتی نمایشگاه می گذاری مخاطب را باید در نظر گرفته باشی. الان مرز بین این دو به هم ریخته است.

ممکن است شما تصویری را برای یک کتاب خلق کنید که از همه جهات هنری بدون اشکال باشد وحتی ممکن است درجشنواره های مختلف نیز جوایزی برده باشد ولی همان تصویر در فلان کتاب وقتی به دست یک کودک می رسد با آن ارتباط برقرار نمی کند در نتیجه اثرش را از دست می دهد . متاسفانه در ایران این مشکل وجود دارد، یا اثر را طوری آماده می کنیم که فقط خوش رنگ و بازاری باشد یا آنقدر هنری تنظیم می کنیم که برایمان مخاطب مهم نیست و فقط فاکتورهای هنری را درنظر می گیریم . ما در جامعه ای داریم کار می کنیم که در یک دایره محدود هنر را می شناسند.

● به نظر شما در ایران مردم درک درستی از هنر دارند؟

نمی توان گفت که مردم ما فهم درستی ندارند. بیشترسلیقه است. مردم ما سلیقه کاملا متفاوتی با توجه به تاریخ و گذشته ما دارند. جنس ایرانی ها عارف مسلک است وهمه چیز را انتزاعی تر می بینند ولی در اروپا اینگونه نیست . حتی وقتی در ایران نگارگری ونقاشی آزاد شد به هیچ وجه هنرمند قرن ها به خودش اجازه نمی داد تا چهره پردازی کند. یعنی چهره یک شاه با صورت یک بچه و یا یک انسان عادی هیچ تفاوتی نداشت چون اجازه شمایل نگاری نداشتند. همه این تصاویر یکسان بوده فقط مثلا چهره شاه را بزرگتر وبا یک تاج نشان می دادند ولی در اروپا همیشه از لحاظ علمی با هنر برخورد می شد که این سیر در ایران طی نشد وما به یکباره با سبک های مختلفی روبرو شدیم که نتوانستیم با آنها ارتباط برقرار کنیم .

● وبلاگتان نشان می دهد که قلم خوبی نیز در نوشتن دارید و در نوشته هایتان می شود خیلی ساده به حس شما رسید . اصلا چرا می نویسید؟

در نوشتن بیشتر دنبال بعدهای عجیب وغریب خودم هستم وممکن است خیلی ها با آن نوشته ارتباط برقرار نکنند.

کسانی که دنبال هنر می روند دوحالت دارند یا زیبایی ها را نشان می دهند ویا تلخی ها را.اگر بخواهیم روی هرکدام از اینها تمرکز کنیم می توانیم کار های خاص را ارائه بدهیم که مردم تا به حال آن را ندیده اند. من در نوشته هایم تلخ می نویسم ولی در نقاشی مثبت اندیش هستم .

● و در کلام آخر چرا در جامعه زرتشتی نمایشگاهی از آثارشمانمی بینیم آیا تاثیری در سطح فکری مردم نخواهد داشت؟

محیط کاری من کاملا مشخص است یا گالری ویا کتاب ومجله هایی بوده که آثار من در آنجا بوده واین می تواند برای زرتشتیان نیز باشد ومردم می توانند آنها را نیز ببینند. من حصاری این بین نمی بینم جامعه زرتشتی و غیر زرتشتی نداریم مخاطبان من جامعه هستند و تفاوتی نیست. به نظرمن همکیشان ما باید به جاهای دیگر بیایند وآن محیط ها را ببینند. وقتی در این حصار قرار بگیری باید تابع همین انسان ها باشید یعنی سلیقه آنها فقط در چهارچوب همین حصار است من می خواهم ارتباط بگیرم وتاثیر بگذارم نه اینکه تاثیری از چهارچوب خاصی بگیرم .

همچنان چشم به راه آدریان

●●● ماندانا میرابی

سال ها پیش ، برای نخستین بار که به آدریان بزرگ رفتم، فکر می کردم بسیار بزرگ و باشکوه است. وقتی داخل شدم بزرگ بود اما باشکوه نبود،در واقع برهوتی بود و دیگر هیچ نبود. از آن روزها سالیانی می گذرد. در همه این سال ها گه گاه خبرهایی از آدریان به گوش می رسید بی حاصل،مایوس کننده و گاه ... .

امسال اما قصه جور دیگری رقم خورد، این روزها آدریان کمی فرق کرده و حال و هوایی دیگر دارد اگر چه که با آنچه هدف است فاصله بسیاراست.این روزها حداقل ورزشکاران با حال و هوا و انگیزه دیگری آنجا می روند و ساعاتی را به تمرین می پردازند. به این امید که هرچه زودتر کار اصلی آدریان که ساخت سازه هایی مدرن و آبرومند در کارکردهای دینی، فرهنگی، علمی و... است، آغاز شود. ای کاش ...

آغاز ماجرا:

گردش ۳۰ انجمن زرتشتیان تهران به دلیل نبودن مکان های کافی و مناسب برای زرتشتیان، ساخت مجتمع آدریان بزرگ را در شمال یوسف آباد مورد تصویب قرار داد و این موضوع پس از تصویب به کلیه سازمان ها، کانون ها و انجمن ها اعلام شد و برای عملی شدن این کار از میان آنها کمیته موقتی با همونده روانشاد فرنگیس فیروزگر، روانشاد مهربان منشی،روانشادمهربان‌فرهنگی،روانشاد دینیار فرین، هوشنگ سیروسی،ارباب موبد مهربان زرتشتی و رستم زرتشتی تشکیل شد. در پی تشکیل این کمیته روانشاد همایون فیروزگر با اهدای ۷۸۱۹متر مربع زمین و فریدون فلفلی با اهدای ۵۹۰۰ مترمربع زمین در شمال یوسف آباد شروع به تملک مکانی نمودند که بعدها آدریان بزرگ نام گرفت. این موضوع با خرید زمینی به ابعاد ۱۹۲۴متر مربع که ما بین دو زمین دیگر بود، با بودجه دهشمندان جامعه زرتشتی ادامه پیدا کرد. تا تابستان ۱۳۵۷ که با تملک کامل زمین ها، ساخت مجموعه ای به نام آدریان بزرگ از یک رویا به حقیقت نزدیک شد. کمیته آدریان بزرگ بعد از تهیه زمین، برای ساخت این زمین نشست های زیادی را با مهندسان زرتشتی برگزار کرد که حاصل آن تهیه چندین نقشه توسط آنان بود. کمیته با بررسی طرح ها، نقشه روانشاد مهندس کیخسرو زارع را تصویب کرد. براساس طرح مهندس کیخسرو زارع ، برای آدریان چهار قسمت متمایز شامل نیایشگاه، فضای آموزشی، موزه و کتابخانه و باشگاه ورزشی به همراه ساختمان اداری و پارکینگ پیش بینی شده بود.

با نهایی شدن این طرح، انجمن وقت برای دریافت پروانه ساختمان نامه ای به شهرداری در سال ۱۳۵۸ ارسال کرد اما در این بین اختلافاتی بین هیات امنا آدریان بزرگ ، انجمن زرتشتیان تهران و هیات نظارت بر سرمایه انجمن به وجود آمد .در آذر ماه ۱۳۶۰ با حل این مشکلات انجمن،تقاضای کسب پروانه از شهرداری را مصوب و وجوه امانتی آدریان بزرگ از اختیار انجمن خارج وبه هیات امنا آدریان داده شد.درحالیکه موضوع ساخت آدریان همچنان در حال پیگیری بود،در سال ۱۳۶۳ زمین های آدریان بزرگ موات اعلام شد و در حدود همان زمان بعد از این که دیوارهای آدریان را خراب کردند، برای تعدادی ناشناس نیز سند صادر شد و به این ترتیب چالشی بزرگ آغاز شد که با دوندگی ها و پیگیری های بسیار، سال ۱۳۷۰ این مشکلات حل و زمین ها بازپس داده می شود. بدین ترتیب بار دیگر برای ساخت مجموعه آدریان برنامه ریزی ها انجام می شود که بار دیگر دریافت نامه ای از شهرداری تهران همه را شوکه می کند. بر اساس این نامه کاربری زمین آدریان از مذهبی، اجتماعی، فرهنگی ویژه زرتشتیان به پارک عمومی در برنامه قرار گرفته است. بنابراین رییس وقت انجمن با ارسال نامه ای به شهرداری تهران با اشاره به نیت نامه و هدف ساخت آدریان این موضوع را نمی پذیرد. در سال ۱۳۷۱ به دلیل نتیجه نگرفتن انجمن از مکاتبات خود، نامه ای تنظیم و مکاتبات با دفتر رییس جمهوری و همچنین وزیر کشور وقت انجام می پذیرد. روند مکاتبات سرانجام به نتیجه می رسد و شهرداری ساخت هر گونه ساختمان در آدریان را بلامانع اعلام می کند. از سال ۱۳۷۵ ساخت آدریان بزرگ شکل جدیدی به خود می گیرد و رییس وقت گردش ۳۷ انجمن به عنوان سرپرست آدریان بزرگ تعیین می شود.

در این گردش مهندسین زرتشتی آرشیتکت برای تهیه نقشه جدید دعوت می شوند و آنان کمیسیونی را برای تهیه نقشه تشکیل می دهند. در گردش ۳۸ پس از ماه ها کار کارشناسی، نشست مهندسین روز ۱۸ آذر ۱۳۷۷ به نتیجه می رسد و نقشه مهندس فروغی تایید می شود. طی قرار دادی که در ۱۶ بهمن ۱۳۷۸ منعقد می شود وی مسئول و مهندس ناظر اجرای ساخت آدریان بزرگ می شود. درحالی که این بار دیگر همه به ساخت این مجموعه امیدوار می شوند گردش ۳۹انجمن نقشه را به دلیل نداشتن تراکم مناسب بیهوده می داند و متاسفانه باز هم کار آغاز نمی‌شود.

پس‌ازاستعفای‌دسته‌جمعی‌تعدادی از اعضاء گردش ۳۹انجمن و حل شدن موارد تخلفی در شهرداری، اینبارادعاهای سرایدار آدریان مانع ساخت و ساز می شود که این موضوع نیز طی زمانی طولانی با بیرون کردن‌سرایدار حل می‌شود. سرانجام در گردش ۴۰ انجمن زرتشتیان تهران،مهندسان گرد هم جمع می شوند تا برای ساخت آدریان بزرگ تدبیری بیندیشند.اما در کمال تعجب با نقشه ساختمانی قبلی که دارای پروانه شهرداری نیز بود، مخالفت می شود و این موضوع با طراحی یک مسابقه معماری ادامه می یابد. مسابقه ای که با هزینه ای بالا برگزار می شود و به سه نفر اول جوایز نقدی ارزشمندی داده می شود. اما این مسابقه نیز که بدون انجام مقدمات اداری مربوط به شهرداری و حتی طراحی مدیریت پروژه لازم برگزار می شود، نمی تواند گره ساخت آدریان را باز کند.سرانجام اما در گردش ۴۱ انجمن ، گزارش توجیهی طرح،تامین هزینه ها و نحوه اجرای آن در دستور کار قرار می گیرد.

هیات امنای آدریان بزرگ با حضور افراد خوشنام جامعه و نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی شکل می گیرد، این گروه پس از بحث های متعدد و متفاوت،رای به انجام کارهای ضروری در آدریان می دهد. در این بین ایجاد زیر ساخت های لازم وطی مراحل اولیه برای اجرای پروژه های اصلی و طولانی مدت نیز در دستور کار قرار می گیرد.

سرانجام در نشستی ، با باشندگی دکتر اسفندیار اختیاری، دکتر رستم خسرویانی، مهندس رستم یگانگی، مهندس جمشید فروغی و مهندس داریوش اورنگی ، نقشه های تهیه شده برای بهسازی زمین های ورزشی آدریان نهایی می شود و در پایان این نشست بنیاد خیریه سیروس یگانگی هزینه های این بهسازی را برعهده می گیرد.

بهسازی که با اجرای چمن مصنوعی در زمین فوتبال، تکمیل زمین بسکتبال و والیبال و طراحی زمین بدمینتون در مهرماه امسال آغاز و در مدت ۳ ماه کار به اتمام می رسد. کار ارزشمندی که با طراحی مجدد سیستم روشنایی و گرفتن انشعاب آب برای آن مجموعه همراه است.از آن روزها که درمورد مجموعه ای به نام آدریان فکر شد، سالیان بسیاری می گذرد، سالیانی که با مشکلات بسیاری گذشت ، مشکلات در کنار سوء مدیریت ها وسوء تدبیرها و... همه وهمه. این روزها ساخت مجموعه فرهنگی-دینی-اجتماعی به نام آدریان برای جامعه زرتشتی یک آرزوست، آرزویی که تنها با همت نیک اندیشان، خیر اندیشان والبته مدیریتی قوی، کار آمد و دلسوز قابل تحقق است. تا آن روز چشم به راه می مانیم.

اژدها

بهرام دمهری

گفتم از جو و آب و قنات بدرآیم و به موضوعی دیگر بپردازم اما حیفم آمد تا این خاطره را برای شما نقل نکنم.

می دانید از گذشته های دور در ادبیات، قصه ها و افسانه های ما موجودات خیالی چه مثبت و چه منفی نقش دارند مثل دیو، اژدها و ... در نقاشی ها هم همین گونه در داستان ها اژدها را به اشکال مختلف دیده ایم ولی شاید گویاترین و زنده ترین اژدهایی که من دیده ام تمساح های رودخانه ای باشد که آرام و ساکت به گاوهایی که مشغول نوشیدن آب هستند حمله می کند و با قدرت یکی از آنها را می بلعند. شما هم، چنین فیلم هایی را دیده اید اینجا می خواهم اژدهایی را که به یک انسان ظریف و لطیف و بی گناه حمله کرده، معرفی نمایم. تصور بفرمایید که در پایین جو که تاریک است و آب از کانالی می آید و در جریان خود از جو می گذرد و به کانال مقابل می رود دختری با همه طراوت و لطافتش آمده و ظروف غذا یی که از شب قبل مانده را با خود آورده تا در آب روان آبکش نماید و تمیز کند. می دانید که در گذشته ظروف را با خاکستر تمیز می کردند بدین صورت که دیگ و تاس مسی و قاشق و ملاقه را در خانه با خاکستری که از اجاق یا تنور نان پزی به جای مانده بود، کاملا می سایدند بعد از آن آنها را داخل سبدی گذاشته به لب آب چشمه یا جو می رفتند و آنها را آب می کشیدند تا شسته و تمیز شود. آن روز دختر معصوم لب آب نشسته بود، کسی داخل جو نبود ناگهان مردی درشت استخوان و رعب انگیز از کانال آب بیرون می آید چادرشب را روی سر دخترک می اندازد و با خود می برد و فردا همه از غیبت او آه و ناله سر می دهند که جن و پری او را با خود برده اند.

ولی من یقین دارم که اژدهای انسان نما او را با خود برده بود چون من این زن و مرد را که بعد ازن و شوهر شده بودند و عضو جامعه ما نیستند را با چشم خود دیده ام.

پارس نامه

● پارس نامه
ماهنامه پژوهشی فرهنگی تحلیلی
شماره نوزده - دی ماه ۱۳۸۹

● صاحب امتیاز و مدیر مسئول :
دکتر اسفندیار اختیاری
● زیر نظر شورای سردبیری
● صفحه آرا :
شادی عبد شریف آبادی
● همکاران :
همراهان تارنمای برساد

● آدرس :
یزد- صفائیه- خیابان استاد احمد آرام- کوی استادان - کوچه هنر۶

● کد پستی : ۸۹۱۵۸۱۷۱۱۳
● تلفکس تهران : ۴۴۰۴۹۱۹۸ - ۰۲۱
● تلفن : ۸۲۱۰۸۸۱-۰۳۵۱
● دورنگار : ۸۲۱۰۸۷۹-۰۳۵۱
● پیام نگار: ۰۹۳۵۶۲۳۸۵۳۲
● صندوق پستی : ۸۹۱۹۵/۱۵۴

● پست الکترونیکی:
info@parsnameh.ir

پارس نامه در ویرایش نوشته ها آزاد است و همه ی نوشته ها دیدگاه پارس نامه نیست

گروه تور مهراندیش

تفریح .گردش . خرید ارزان

در دوبی با تور دوبی مخصوص جوانان و همه

تاریخ حرکت:۱۱ /اسفند/۱۳۸۹
تاریخ برگشت:۱۴/اسفند /۱۳۸۹

امکانات: هتل سه ستاره .استخر. صبحانه وناهار
پرواز : هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) یا ماهان
ترانسفر فرودگاهی از تهران ودوبی رفت و برگشت رایگان

مهلت ثبت نام
تا تاریخ ۱۵/ بهمن /۸۹
تعداد ثبت نام کنندگان محدود می باشد.
تلفن ثبت نام : ۰۹۱۲۳۵۰۶۲۴۸